



شورای عالی حوزه علمیّه قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیّه خاوران

حوزه علمیّه: زهراى اطهر عليها السلام

عنوان مقاله:

امانداری از دیدگاه قرآن و سنت

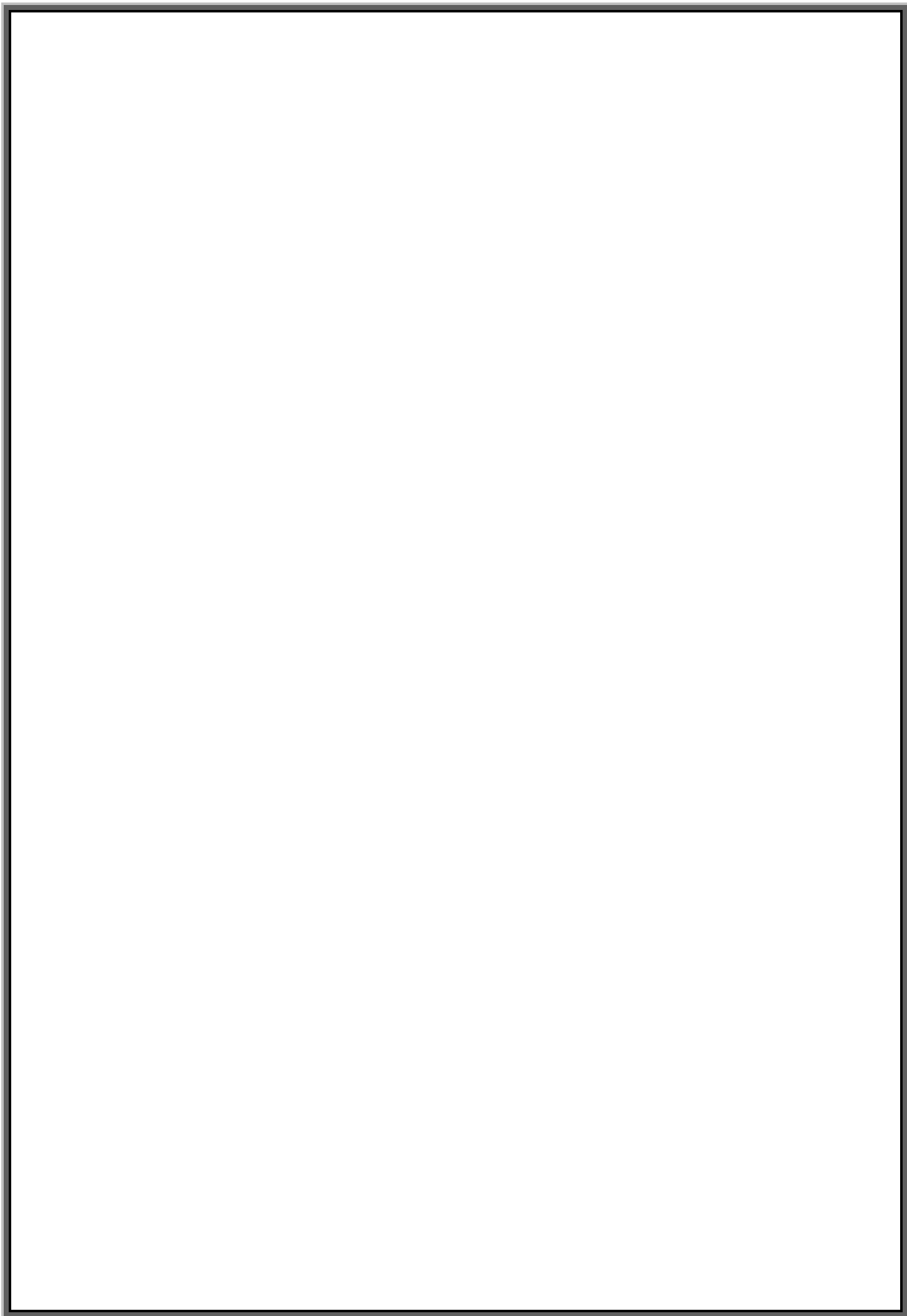
آثار و پیامدهای فردی - اجتماعی آن

محقق:

فاطمه علی‌اکبری

بهار

۱۳۸۸



چکیده

موضوع این مقاله « امانتداری از دیدگاه قرآن و سنت و آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی آن » می‌باشد. در ضرورت آن همین بس که؛ امانتداری در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام که خود به عنوان سرچشمه مهمی در دین اسلام قلمداد می‌شوند اشاره شده است. و هدف این نوشته، احیاء رسم امانتداری در جامعه و برجیده شدن خیانت از آن می‌باشد. نتیجه‌ای که از این نوشتار بدست می‌آید این است که؛ امانت از واجبات و ضروریات زندگی فردی و اجتماعی است بطوری که عدم رعایت آن از سوی افراد جامعه زمینه ساز مشکلات و مفسد زیادی می‌شود.

کلید واژگان:

- ۱- امانت: استواری در راستی ، ضد خیانت.^۱
- ۲- خیانت: دغلی ، نادرستی، ضد امانت.^۲
- ۳- امین: امانتدار، طرف اعتماد، درستکار، کسی که مردم به او اعتماد کنند.^۳
- ۴- قرآن: کلام الله مجید و آخرین کتاب آسمانی، کلمه قرآن در اصل مصدر به معنی خواندن، اسم علم و غیر مشتق است و مخصوص کلام خداوند متعال است.^۴
- ۵- روایت: نقل سخن و خبر از کسی، بازگفتن سخن را، هم‌چنین است شعر.^۵

مقدمه

امانت از مهم‌ترین فضایل اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و انسانی است، که با تأکید فراوان در قرآن و احادیث از آن یاد شده است و علمای اخلاق و سالکان الی‌الله اهمیت فوق‌العاده‌ای برای آن قائلند. به عکس خیانت که از بزرگ‌ترین گناهان و نکوهیده‌ترین رذایل اخلاقی است.

امانت سرمایه اصلی جامعه انسانی و سبب پیوند مردم با یکدیگر و نظم معاش و معاد آنها است. در حالی که خیانت آتش سوزانی است که همه پیوندها را از میان می‌برد و سبب هرج و مرج جامعه و فقر و ضعف و بدبختی است.

امانت از صفاتی است که هم در رابطه خلق با خالق و هم انسان‌ها نسبت به یکدیگر و هم انسان نسبت به خودش و نسبت به محیط زیست او صادق است و خیانت به مؤمنین اعم است از خیانت مالی و خیانت‌های دیگر که از آن بالاتر است.

معنی لغوی و اصطلاحی امانت

واژه امانت از ریشه «أَمِنَ» (به معنی در امان بودن از ضرر و زیان و آسیب) است. امانت؛ در لغت به معنی استواری در راستی است. و در اصطلاح به معنی امین بودن و درستکار بودن می‌باشد و از یکسو به چیزی که به کسی بسپارند که از آن نگاهداری کند نیز گفته می‌شود و جمع آن امانات می‌باشد.^۶

امانت در فرهنگ اسلام معنی وسیع و گسترده‌ای دارد و منحصر به امور مادی نیست. در مفهوم وسیع امانت، امانت‌های خدا و پیامبران الهی و هم‌چنین امانت‌های مردم جمع است، نعمت‌های مختلف خدا، آئین حق، کتب آسمانی، دستورالعمل‌های پیشوایان را حق و هم‌چنین اموال و فرزندان و پست‌ها و مقام‌ها همه امانت‌های خداوند متعال می‌باشند.^۷

امانت از دیدگاه قرآن:

در قرآن کریم، آیات متعددی در سوره‌های مختلف پیرامون اهمیت امانت و لزوم رعایت کردن آن دیده می‌شود، که ما به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۸

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید در حالی که می‌دانید.»

این آیه مفهوم گسترده‌ای دارد که شامل دو گونه امانت معنوی و مادی و مالی و غیرمالی می‌شود. بنابراین هم خیانت به امانت‌های الهی ممنوع است و هم امانت‌هایی که پیامبر ﷺ از آیین خود نزد امت گذارده و هم امانت‌هایی که مردم نسبت به یکدیگر دارند. چه امانت‌هایی که مربوط به امور مالی باشد و چه اسرار زندگی.^۹

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»^{۱۰}

«ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سربر تافتند و از آن هراسیدند. اما انسان آن را بر دوش کشید او بسیار ظالم و جاهل بود.»

در این آیه منظور از امانت بزرگ الهی همان تکلیف و مسئولیت است که بدون عقل و آزادی و اراده میسر نیست.^{۱۱}

امانت از دیدگاه روایات:

در این زمینه روایات متعددی از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام وجود دارد که ما به طور مختصر به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

« آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذِبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اتُّمِّنُ خَانَ »^{۱۲} « نشان منافق سه چیز است:

سخن به دروغ گوید، از وعده تخلف کند و در امانات خیانت کند. »

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

« إِيَّاكَ وَالْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا شَرُّ مَعْصِيَةٍ فَإِنَّ الْخَائِنَ لَمُعَذَّبٌ بِالنَّارِ عَلَى خِيَانَتِهِ »^{۱۳} « از خیانت پرهیزد که به

درستی بدترین گناهان است و همانا خائن به دلیل خیانتش در عذاب آتش خواهد بود. »

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

« عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ »^{۱۴} « بر شما باد پرهیزگاری خدا و راستگویی و

اداء امانت. »

اقسام امانت:

۱- امانت مردم:

حسن عقلی رفتارهای صادقانه و قبح آشکار خیانتکاری در اموال دیگران، ما را از توضیح بیشتر در این

زمینه بی‌نیاز نموده به یادآوری نکاتی پیرامون آن اکتفا می‌نماییم:

الف: در تعلیمات اسلامی امانات، همه انسان‌ها محترم هستند.

ب: اگر چه مصداق بارز امانتداری‌ها، حفظ و ایصال بی‌کم و کاست امانات مالیه به صاحبان آنهاست، اما

در مواردی اندوخته‌های غیرمادی نیز به رسم امانت در اختیار قرار می‌گیرند که مانند دیگر سپرده‌ها نیازمند

محافظتی صادقانه‌اند که از باب مثال در این زمینه می‌توان به اسرار مردم اشاره کرد.^{۱۵}

۲- امانت الهی:

هریک از نعمت‌های بی‌شمار پروردگار، امانتی الهیه و سپرده‌ای از جانب حق تعالی نزد بندگان محسوب می‌شود. و حقیقت امانتداری مقتضی بهره‌مندی‌های آدمیان از نعمت‌ها در طریق رضایت و فرمانبرداری خداوند متعال است.^{۱۶}

امانت الهی که آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها با توجه به اهمیت آن، آن را نپذیرفتند و از حمل آن امتناع ورزیده، از ابّهت و عظمت آن ترسیدند؛ «قرآن» یا «وَحی» و یا «ما انزل الله» می‌باشد.^{۱۷}

خیانت:

خیانت؛ ضد امانت، به معنای نادرستی و تجاوز به حقوق دیگران است. این صفت یکی از صفات ناپسند بشر است که می‌تواند آبرو و حیثیت فرد را برباد دهد.^{۱۸}

انواع خیانت:

خیانت می‌تواند در موارد مختلفی صورت پذیرد. برخی ممکن است در بعضی از موارد امانت‌دار خوبی باشند، اما نسبت به موارد دیگر سستی از خود نشان دهند. کسی امین است که نسبت به مال، ناموس، اسرار، دین، حیثیت و شرف دیگران توجه کامل داشته، خیانت ننماید.^{۱۹}

عوامل و زمینه‌های خیانت:

- ۱- نفاق و ریا
- ۲- همکاری با رژیم‌های طاغوتی
- ۳- بددلی و بدخواهی
- ۴- فقر
- ۵- باندبازی
- ۶- رنجش عاطفی^{۲۰}

آثار و پیامدهای امانت و خیانت:

الف: مهمترین و آشکارترین اثر امانت، مسئله اعتماد است که بدون آن، جامعه انسانی همه چیز خود را از دست می‌دهد.

ب: هنگامی که امانت در یک جامعه یا در یک خانواده حکم فرما شود، مایه آرامش فکر و روح آنها است، زیرا در صورت احتمال خیانت همه از هم وحشت دارند و دائماً از این نگرانند که خیانتی نسبت به آنها صورت نگیرد.

ج: امانت؛ بسیاری از هزینه‌های زندگی را کم می‌کند و سبب صرفه‌جویی در وقت، عمر و مال است؛ زیرا هنگامی که راه خیانت در محیط باز شود، مدیران و مسئولان مختلف ناچارند بازرس‌ها و حسابرس‌هایی با هزینه‌های سنگین برای پیش‌گیری از خیانت‌های احتمالی در بخش‌های مختلف بگمارند.

د: امانت؛ سبب جلب محبت و پیوند دوستی در میان افراد است در حالی که خیانت؛ عامل بسیاری از جنایات و حوادث ناگوار اجتماعی است.

ه: امانت؛ سبب پیشرفت علوم و دانش‌ها است در حالی که اگر اصل امانت از مطالعات علمی برداشته شود ممکن است سبب گمراهی افراد ناآگاه گردد.^{۲۱}

انسان امین کیست؟

انسان امین کسی است که برای حفظ امانت الهی و یا پاسداری از سنگر قرآن، خویشتن را مخاطب «وحی» می‌داند و در برابر کلیه خیانت‌هایی که در طول تاریخ گذشته به الله t و رسول او شده و هم‌چنان ادامه دارد، سرسختانه و مقاوم می‌ایستد تا خیانت‌ها و افتراها را از ذهن و فکر مردم و آثار شرک را از فرهنگ تحمیل شده بر ایشان پاک کند تا شرایط اجتماعی و انقلاب فرهنگی بوجود آید که: مردم حامل امانت الهی بودنشان را فهم و درک کنند و برای پاسداری از حریم قرآن قیام نمایند و از ظلوم و جهول بودن خارج گردند، به جنگ با شیطان و حزب او بروند.^{۲۲}

راه پیش‌گیری و درمان خیانت:

پرورش روح امانت در افراد و پیش‌گیری از خیانت، جز در سایه تقویت مبانی ایمانی امکان پذیر نیست. زیرا یکی از ریشه‌های عمده خیانت شرک و عدم اعتقاد کامل به قدر پروردگار است. افراد ضعیف‌الایمان به گمان این که اگر دست به خیانت نزنند در زندگی عقب می‌مانند و منافع آنها تأمین نمی‌شود، تن به ذلت خیانت می‌دهند. اما هنگامی که پایه‌های ایمان تقویت شد، توکل و اعتماد بر خداوند متعال سبب می‌شود که راه انحراف شرک را برای وصول به مواهب زندگی نیمایند.

از سویی دیگر؛ چون یکی از عوامل مهم خیانت، نیاز است باید تا آنجا که می‌شود نیازهای معقول و مشروع کسانی را که تحت مدیریت انسان قرار دارند را برآورده کنند تا نیازشان سبب نشود که به خیانت روی آورند.

از سوی سوم؛ توجه به عواقب شوم خیانت در دنیا و آخرت و رسوایی‌ها و محرومیت‌های ناشی از آن به یقین از عوامل بازدارنده و از اسباب پیش‌گیری و درمان خیانت است.^{۲۳}

شیوه پاسداری رسولان امین از امانت الهی:

برای آموختن شیوه برخورد انسان‌های امین با خیانت در امانت، به یک نمونه از «متد» موضع‌گیری رسولان امین در برابر خیانت آشنا می‌شویم.

«نوح علی‌ه السلام» انسان امین، ظلمات و جهل و فسادها و نابسامانی‌های جامعه شرک زده خویش و تحقیرها و تبعیض‌ها و مکر و فریب و بی‌هویت شدن انسان خلیفه فی الارض و حامل امانت را می‌بیند و بانگ برمی‌آورد:

«... أَلَا تَتَّقُونَ * إِيَّايَ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»^{۲۴}

نوح علی‌ه السلام با تمسک به وحی مردم را انذار می‌کند «الا تتقون» (آیا تقوی پیشه نمی‌کنید؟) و آنگاه به منظور اتمام حجت بر مردم و نشان دادن یک نمونه عینی از انسان امین، به مردم می‌گوید: «من رسولی امین هستم.»

نوح علی‌ه السلام به این جهت خودش را برای مردم امین معرفی می‌کند که چیزی جز رسالت الله t را به مردم ابلاغ نمی‌کند.

نوح عليه السلام برای اثبات ادعای امین بودنش برای مردم «وحی» را به آنها تعلیم می‌دهد تا مردم به بصیرت و آگاهی برسند و بر اساس معیارهای «وحی» خیانت در امانت را تشخیص دهند و آنگاه با موضع‌گیری‌های آگاهانه در برابر شیطان و حزب او بایستند و به وحی عمل کنند.

نوح عليه السلام برای این که مردم الگوی عملی داشته باشند و در پیمودن این مسیر از صراط مستقیم منحرف نشوند، به مردم می‌گوید: «وَأَطِيعُونَ» (و از من اطاعت کنید)

نوح عليه السلام ادامه می‌دهد: برای اثبات امین بودنم همین بس که برای ابلاغ رسالت الله t از شما مزد نمی‌خواهم که اجر و مزد من جز بر عهده رب العالمین بر دیگری نیست.^{۲۵}

نتیجه گیری:

در پایان به این نتیجه می‌رسیم که:

امانت منحصر به امور مادی نیست، بلکه امور معنوی را هم در برمی‌گیرد و این که امانت از واجبات و ضروریات زندگی فردی - اجتماعی است. بطوری که اگر افراد یک جامعه آن را رعایت نکنند، اعتماد و اطمینان در آن جامعه جایی ندارد و به دنبال آن حوادث ناگوار و جنایات تلخ به سراغ انسان‌ها می‌آید.

پی‌نوشت

- ۱- مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۶. ش، ج ۱، ص ۸۸۳.
- ۲- همان، ص ۲۱۵.
- ۳- حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶. ش، ص ۲۳۵.
- ۴- مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۸، ص ۲۷۵.
- ۵- همان، ج ۵، ص ۷۰۸.
- ۶- مصطفی اسرار، مفاهیم قرآن، انتشارات حیا، ۱۳۷۵. ش، ص ۳۰.
- ۷- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۴، ص ۱۹۹. محمدتقی عبدوس، بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان علیهم‌السلام، قم، مرکز انتشارات، ۱۳۷۴. ش، ص ۴۰.
- ۸- سوره انفال، آیه ۲۷.
- ۹- ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، قم، ۱۳۸۰. ش، ج ۳، ص ۱۷۸.
- ۱۰- سوره احزاب، آیه ۷۲.
- ۱۱- ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۱۸۰.
- ۱۲- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، قم، انتشارات جاویدان، ۱۳۸۲. ش، ج ۱ و ۲، ص ۲، حدیث ۷.
- ابوعبدالرحمن نسائی، سنن نسائی، بشرح الحافظ جلال الدین سیوطی، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۳۴۸. ق، جزء ۸، ص ۱۱۷.
- ۱۳- حسین النوری طبرسی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام، ۱۴۰۷. ق، ج ۲، ص ۵۰۶.
- ۱۴- همان، ج ۲، ص ۶۰.
- ۱۵- حسن طاهری موسوی، وظایف شیعه بودن، مشهد، ۱۳۸۴. ش، ص ۳۱۸.
- ۱۶- همان.
- ۱۷- حسین برازنده، انسان حامل امانت الهی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۱. ش، ص ۸۴.
- ۱۸- علی‌اکبر بابازاده، آیین دوستی در اسلام، مشهد، انتشارات بدر، چاپ اول، ۱۳۷۴. ش، ص ۱۳۹.
- ۱۹- همان، ص ۱۴۵.

۲۰- عبدالمجید معادیخواه، فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه، تهران، انتشارات ذره، ۱۳۷۲. ش،

ج ۱، ص ۳۷۰.

۲۱- ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۱۸۷.

۲۲- حسین برازنده، انسان حامل امانت الهی، ص ۸۵.

۲۳- ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۱۹۳.

۲۴- سوره شعراء، آیات ۱۰۶ - ۱۰۹

۲۵- حسین برازنده، انسان حامل امانت الهی، ص ۱۰۰.
